



نگارش و ترجمه محمدرضا فیض مهدوی

وکیل دادگستری

قسمت سوم

(بقیه از شماره ۱۳۸)

دگرگونی نوین در اصلاح زندانیان

اعمال گذشته کمتر تکرار میشود.

از آقای واردن ورنن^۱ مدیر زندان درباره تأثیر رویه زندان ویانا سوم بر روی زندانیان و کیفیت ارتکاب جنایات از طرف آنها پس از آزادی پرسش شد او گفت: «مقامات ایالتی میگویند تکرار جرم بمیزان کمتری است.» ولی این بیان مورد اعتراض قرار گرفته. «اما من فکر میکنم عدم تکرار علامت قاطعی برای موفقیت باشد. مثلاً ما یک آمبولانس برای موارد اضطراری داریم که یوسيله زندانیانی که بگونه بهداری آشنا هستند اداره میشود. این آمبولانس در خدمت ولایاتی است که فاقد چنین امکاناتی میباشد آیا درست عمل کردن این دستگاه را نمیتوان معیاری برای موفقیت دانست؟»

«چرا مسؤلیت عدم موفقیت در پائین آوردن میزان جرائم را باید بگردن زندان انداخت؟» مدیر برنامه ویانا سوم ادامه داد. «ما آخرین عامل اجتماع هستیم که پس از عدم موفقیت همگان اینگونه افراد را در بر میگیریم. این مردم پاک باختگانند. آنها حتی در ارتکاب جرائم نیز واخورده اند. زیرا بچنگال عدالت افتاده اند.»

مدیر مزبور درباره طرح اصلاح زندانیان چنین پیشنهاد میکند: «اگر برنامه مزبور از این امر ناتوان است که زندانیان را بهتر از آنچه تحویل گرفته بجامعه بازدهد آیا این عمل ارزش پولی که برای آن مصرف شده دارد؟»
«این موضوع بسادگی قابل درک است که کمتر برنامه و یا هیچ برنامه ای

1) Mr. Warden Vernon

بمنظور افزایش خشونت ریخته نمیشود. زندانیان بطور متوسط ۲۱ ماه در زندان باقی میمانند. ما در برخورد با آنها بین دو موضوع مخیریم. یا آنها از زندان بصورتی خارج میشوند که از اجتماع خود نفرت دارند زیرا آنها را در قفس کرده اند. یا در حالی از زندان بیرون می آیند که در نزد خود فکر میکنند ما آنها کم کرده ایم. در صورت اخیر بازهم ما در جلوگیری از تکرار عمل آنها شکست خورده ایم.»

نگهبانان زندان ویانا سوم در مقام مقایسه حد اعلای امنیتی که در زندان ویانا وجود دارد با سایر زندانهای ایلینویز مانند جالیت^۲، استیت ویل^۳ و منارد^۴ چنین نتیجه گرفته اند که در زندان مذکور بین نگهبانان و مأمورین کمتر کشمکش بر سر مسائل انضباطی در میگیرد. تفنگ، چاقو، و یا همجنس بازی و طغیان در بین زندانیان مزبور کمتر یافته و یا ارتکاب میشود. تنها چیز معمولی زد و خوردهای مختصری است که پیش آمد میکند.

قضاوت زندانیان

یکی از زندانیان ویانا سوم میگوید: «در این زندان فشاری بآدم وارد نمی آید. من در زندان جالیت بوده ام. در آنجا همیشه انسان تحت فشار و سختگیری قرار میگیرد. در آنجا تمام وقت صرف واکنش در برابر سوء استفاده از قدرت زندانبانان میشود.»

پاره ای از زندانیان میگویند نظارت نجیبانه و مسؤلیت شخصی در زندان ویانا سوم با آنها آرامش بیشتری میبخشد. و آنها را ذی علاقه تر برای پیشرفت میدارد. زندانی دیگری گفت: «در زندان جالیت من تمام وقت درباره روابط خود با محیط اطرافم فکر میکردم. نگهبانان مانند یک جانی بالفطره با من رفتار میکردند. بنابراین من درباره خود مثل یک جانی فکر میکردم.»

زندانی دیگری بمیان مطلب دوید و گفت: «در زندان منارد ما زندانبانان را با واژه «لثیم» مینامیدیم ولی در ویانا آنها را با اسم خودشان مینامیم. در اینجا ما حتی با آنها ورق بازی و یا هواخوری میکنیم. ما آنها را مانند انسانی مینگریم و آنها بشخصیت ما با نظر حقارت نمینگرند این امور که خیلی در اینجا بسادگی جریان دارد هیچگاه قبلا برای من روی ننموده بود.»

زندانیان ویانا سوم درباره نبودن برنامه در سایر زندانها داد سخن میدهند. یکی از زندانیان چنین گفت: «در جاهائی مانند زندانهای جالیت یا استیت ویل شما ممکنست در کارگاه کانکریت و یا کارهای دستی دیگری کار کنید. اما وقتیکه آزاد میشوید اینگونه مشاغل چه تأثیری در زندگی شما میتواند داشت زیرا بزرگترین اثر آنستکه هنگام آزادی شغل قابل ملاحظه ای بدست آورید. «یک زندانی جوان زندانها را یکنوع محل تربیت حرفه ای برای بزهکاری خواند.» او گفت «هنگامیکه

2) Joliet
3) Stateville
4) Menard.

دستمای شما در دستبند است شما پیوسته در فکر شکستن آن و اندیشه‌هایی همانند آن هستید.»

دگرگونی در دید زندانیان

آیا زندانیان ویانا سوم چنین فکر میکنند که برنامه‌های اصلاحی آنجا پس از بدست آوردن آزادی آنها را از ارتکاب جرم باز میدارد؟
يك جوان زندانی در این باره چنین گفت: «آقا من نمیتوانم باین پرسش مطمئناً پاسخ مثبت بدهم. زیرا قبل از برخورد بمسائلی که در کوچه و بازار پیش می‌آید نمیتوان جواب قطعی باین سؤال داد. حتی من نمیتوانم بگویم شغل مناسبی پیدا خواهم کرد. اما اگر شغلی پیدا شود اینجا بمن کمک میکند آنرا بگیرم. و اگر ممکن باشد که من عقل خود را بازیابم. اینجا محلی است که میتوانم بدان منظور نائل شوم.»

دیوارهای سخت و سنگین حفاظتی زندان ریدزویل^۵

اگر نظری بجورجیا^۶ در سال ۱۹۳۵ بیفکنیم نمونه اداره و حفاظت زندانها را در دانه‌های بیشمار زنجیر و توده‌های سربفلك کشیده دیوارهای سنگی میابیم و در همین اوان ایالت جورجیا دست بکار ساختن زندان ریدزویل شد.
برخی از زندانیان در اینجا برای خوانندگان شرح میدهند که زندگی از آنزمان تا بحال دگرگونی چشمگیری حاصل نکرده است. یکی از زندانیان زیرلب این جمله را تکرار میکرد: «در اینجا جز رشد غیرطبیعی حلقه‌های زنجیر چیزی نمیتوان یافت.»

یکی از زندانیان دیرینه زندان ریدزویل گفت بعضی از چیزها تغییر یافته: «آنها آدم را نمیزنند. آدم میتواند با مردم حرف بزند. و این را من دوست دارم. در دوران گذشته در اینجا زندگی دوزخی داشتیم. کار از برآمدن آفتاب آغاز میشد و با فرورفتن آن پایان میرسید. غذای گرم نداشتیم. باید برای کار سرپا باشیم. وضع کنونی در مقام مقایسه با آن دوران بیشباهت بهتل نیست.»
دیگری که در زندان متروك راک‌گاری^۷ مدتی بسربرده بود میگفت: «زندگی در آنجا مانند آن بود که شما با مستحفظین در يك جنگ تن‌بتن وارد شده‌اید و تنها راه آنها این بود که شما را آماج تیر خود قرار دهند. اما حالا وضع عوض شده.»

کوشش در راه طرح اصلاح

در روزگار ما زندانیان جورجیا باتشکیلات روشنتری اداره میشوند. مدیرکل

- 5) Reidsville Prison
- 6) Georgia.
- 7) Rock Quarry Prison

اصلاح ایالتی بنام النالت^۸ ضمن سایر کارهای خود کوشش میکند که برنامه اصلاحی را که سالیان پیش اصلاً وجود نداشت ایجاد و بهبود بخشد. جوهاپر^۹ مدیر ریدزویل مردی است منطقی، بردبار و واقع‌بین. او معترف است برای برخورد با گروهی که اغلب از آنها را مردان خطرناک و شریر تشکیل میدهند وسائل کافی در اختیار ندارد.

او برنامه‌هایی از قبیل لعیم‌کاری، طراحی و رشته‌های دبیرستانی برای زندانیانی که مایل باشند خود را اصلاح کنند ترتیب داده اما تنها ۴۵۰ نفر از ۲۸۰۰ ساکنان زندان ریدزویل تن باین برنامه‌ها داده‌اند. اکثریت رغبت پیرنامه‌های پیش‌گفته نشان نمیدهند. عده‌ای نیز بواسطه عدم استعداد نمیتوانند از آن برنامه‌ها بهرمنند گردند.

در پاسخ اینکه محبوسین زندان ریدزویل بچه نسبتی میتوانند از برنامه‌های مزبور استفاده کنند مستر هاپر چنین تخمین میزند: «ممکنست چهل درصد از آنها توان انجام این برنامه‌ها را داشته باشند. و درباره بقیه از دیرباز برنامه کمک بآنها ارائه شده ولی با شکست مواجه گردیده. زیرا آنها در سنین بالاتری قرار دارند معمولاً سنت تکرار و تکرر در آنها ریشه دوانیده. تنها کاری که نسبت باین دسته میتوان کرد آنستکه اجتماع را در برابر آنها حفظ کنیم. و از وجود آنها برای خودکفائی زندان استفاده شود. مدیران سابق زندان باین جریان رغبت زیادی نشان نمیدادند اما: من حالا میدانم که ما نمیتوانیم هیچکس را برخلاف میل او اصلاح کنیم و حتی قدرت جلب‌نظر او را باین‌سو نداریم. او خودش باید راه خویش را در پیش‌گیرد.»

تنها کاری که ریدزویل میتواند در راه اصلاح انجام دهد ایجاد محیط مناسب و عرضه معیارها است. قسمتهای داخل زندان با میله‌های آهنی از یکدیگر جدا شده و محیط آن کثیف است و خلوت با خویشتن برای هیچکس میسر نیست زندانی انفرادی در مساحتی معادل چهارفوت^{۱۰} در ده فوت زندگانی میکند. کار در این زندان سخت است چهل ساعت کار در هفته يك امر عادی است. اما آفتاب جورجیا و دسته‌های پشه هشت ساعت کار را برای زندانیانی که در کشتزارها اشتغال بکار دارند بصورت يك ابدیت و ساعات تمام‌نشدنی درمیآورد. همجنس‌بازی در زندان مزبور بصورت مسئله مهمی خودنمایی میکند نگهبانان زندان اخیراً دو عدد تفنگ ۳۸ کالیبری را که جزئی از توطئه فرار بود از زندانیان گرفتند. مرگ زندانیان يك امر معمولی است. در نوامبر گذشته يك طغیان عمومی در زندان مزبور بمنظور اعتراض بغذا و خدمات پزشکی و شرائط زندگی انجام یافت. یکی از زندانیان بوسیله بریدن رگ دست خود بانتحار دست زد.

8) Alan Ault

9) Joe Hopper

۱۰) فوت معادل است با ۳۰ سانتیمتر

تمایلات نژادی کماکان بعنوان يك مسئله وجود دارد. واردن‌هاپر گفت: «ما در يك منطقه زراعی در قسمت جنوبی جورجیا قرار داریم. بنابراین بهتر است خود را گول نزنیم. در آوریل ۱۹۷۴ برای اولین مرتبه منطقه ما بعدکمال شهری رسید. باوجودیکه ساکنان زندان این تمامیت را قبول کردند ولی آنرا يك تحرك تشکیلاتی تلقی کردند نه يك پیشرفت شخصی.»

نگهبانان ریدزویل قاعدتاً مراقبت‌ها و نظرات سختگیرانه ویژه‌ای نسبت بزندانیان دارند. هنگامیکه از آنها سؤال شود که اگر آزادی‌هایی که در زندان ویانا- سوم متداول است بمنظور اصلاح بساکنان ریدزویل داده شود سودی بیار خواهد آورد یا نه؟ جواب قاطع آنها منفی است. و همچنین پاسخ آنها باینکه اگر رابطه زندانبانان با آنها دوستانه‌تر باشد واکنش متناسبی در اصلاح آنها خواهد داشت؟ منفی است. یکی از نگهبانان موکداً گفت: «آنها باید برای شما احترام قائل شوند. شما با آنها خیلی دوستانه رفتار میکنید اما آنها کوشش میکنند شما را گول بزنند. با آنها سفت و عادلانه رفتار کنید. این چیزی است که آنها از شما انتظار دارند.»

نظرات زندانبانان

بزندانیان اجازه داده شد که با خبرنگاران مصاحبه خصوصی بکنند. اغلب آنها تنها آرزوی خود را رهائی از زندان دانستند. پاره‌ای که مدتی طولانی زندانی بودند در خود یکنوع نفرت و کینه نسبت بزندان و اجتماع احساس میکردند. آنها میگفتند که نمیتوانند در برنامه‌های اصلاحی شرکت یابند و مثل سایر ایالات در برابر کار آنها دستمزدی پرداخت نمیشود. اغلب آنها نسبت بهیئت اصلاحی که کلید آزادی را در دست دارند اظهار انزجار میکردند.

یکی از زندانبان بنام پترسن چارلز ۱۱ گفت: «شما در اینجا باین نکته میرسید که بخود بگوئید برای من کافی است من پاك خواهم ماند. اما هیچکس باین گفته شما توجه نمیکند.»

دیگری بنام بابی مور ۱۲ اضافه کرد: «شما کسانی را که میدانید آمادگی ندارند آزاد میشوند و دوباره بزندان باز میگردند و دوسه بار پیش از آنکه شما از بند رها شوید آزاد و دوباره بزندان میافتند.»

شاید آنها چنین فکر میکنند در صورتیکه بآنها برای خودیاری فرصت داده شود هنگامی از زندان آزاد شوند یکبار از همه ددرسرها فارغ خواهند شد. ولی مور در این باره گفت: «اگر فرصت داده شود ما قادر بانجام هر چیزی خواهیم بود. اما نباید فراموش کرد که زندان خود جای داعیه و گزافه‌گوئی است. زنده ماندن در زندان خود یکنوع حماسه میباشد.»

11) Patterson Charles

12) Bobby Moore

وقت برای ورزشهای گوناگون

ساعت‌های آخر روز زندانیان برای ورزش بویاط زندان می‌آیند، عده‌ای از سیاهان مسلمان در گوشه‌ای از زندان با مارش قدم‌رو میکنند و در گوشه دیگر زندان بقیه محبوسین ورزش وزنه‌برداری اشتغال می‌ورزند. گرچه هوا گرم و دم داشت و عرق از سرپای همه می‌ریخت معذک زمین بسکتبال بیش از ظرفیت دارای مشتری بود. حرفی که دهان بدهان در آنروز می‌گشت این بود که ریدزویل مانند سایر تشکیلات دولتی باید از بودجه خود بکاهد. هوبر مدیر زندان در این باره با جمله استفهاسی گفت: اگر کاستن بودجه را بمعنای واقعی یعنی کاهش آن فرض کنیم پس «هنگامیکه دست شما برای آغاز هرکاری خالی باشد بعید بنظر میرسد که در راه انجام مقصود چیزی دستگیر شود».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی